

در حاشیه گرمی نگرفتن حافظ ناظری!

ناگفته‌های «بعد یازدهم»

«بعد یازدهم» نام یک آلبوم موسیقی به آهنگسازی حافظ ناظری، فرزند شهرام ناظری است که در خارج از ایران با نام ناگفته (به انگلیسی: Untold) انتشار یافت. این آلبوم بخش اول پروژه سمفونی رومی است و در این آلبوم حافظ ناظری موسیقی شرقی و غرب را ترکیب کرده است. ناظری در این مجموعه از سه‌تار ابداعی خود استفاده کرده است. در این آلبوم برخی از هنرمندان موسیقی جهان و خود شهرام ناظری نیز حضور دارند. هنرمندان این اثر طبق آن چه بر روی جلد آن نوشته شده است، در کل برنده ۳۸ جایزه گرمی شده‌اند.

نکته حائز اهمیت این آلبوم همین حضور نوازنده‌های شاخص جهانی است که از جمله می‌توان به ذاکر حسین، نوازنده سرناس ساز «طبلا» و برنده اولین جایزه گرمی در بخش World Music سال ۱۹۹۲، نامزد دریافت جایزه Grammy در سال ۲۰۱۱ و گلن ولز، نوازنده سازهای کوبه‌ای و برنده چهار جایزه Grammy، مت هامپوویتز نوازنده ویولنسل و نامزد دریافت چندین جایزه



Grammy، پاول نیوهارت نوازنده ویولا و کاندیدای جوایز متعدد جهانی، ژوهانس موزر، نوازنده ویولنسل اشاره کرد. حضور فیلسوف بزرگ جهان «دیپاک چوپرا» در «بعد یازدهم» از دیگر اتفاقات خبرساز این آلبوم به شمار می‌رود. البته اثر کامل در ایران منتشر نشده و آلبوم «بعد یازدهم» در ایران به صورت منتخب و در برگیرنده فصل‌های ۲ و ۳ است.

از وقتی این آلبوم منتشر شد، اهالی موسیقی اظهار نظرهای متفاوتی درباره آن داشتند. از جمله هوشنگ کامکار که در یادداشتی آلبوم «بعد یازدهم» حافظ ناظری را به چالش کشیده بود. او در بخشی از این نوشته آورده بود: «یا نوشتن این اثر آن قدر پیچیده و مشکل است که فقط نوازندگان خارجی می‌توانند این چند آکورد کشیده ساده را بنوازند؟ کدام ستارگان جهان؟» ناظری هم گفته‌های کامکار را بی‌پاسخ نگذاشت و در اظهار نظری گفت: «باید گفت که جای بسی افسوس و اندوه است دیدن چنین نقدی سراسر آکنده از بغض و ناشکیبایی، به کارگیری الفاظ

گفته‌ها درباره این آلبوم‌ها هم رو به پایان بود تا این که ناظری در صفحه شخصی‌اش متنی را منتشر کرد: «دوستان عزیز، همین‌طور که می‌دانید اثر «ناگفته» بسا تمام حرف و حدیث‌ها به عنوان تنها اثر از ایران و برای اولین بار در ۷ شاخه به دور دوم جوایز گرمی راه پیدا کرده؛ طی ۹ روز آینده نتایج دور نهایی این جوایز نیز اعلام خواهد شد؛ در نهایت انتظار ناظری بر سر رسید و فهرست کاندیداهای جوایز گرمی اعلام شد، اما همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، خبری از نام حافظ ناظری در میان کاندیدها نبود.

او در قبال این مسئله هم واکنش نشان داد: «امروز یک احساسی درونم فرد. تا آن‌جا که به موسیقی و رأی هنرمندان مربوط بود با افتخار و بالاترین تعداد در هفت شاخه یکه‌تاز بودیم، ولی آن‌جا بی‌کی که سیاست وسط آمد، همه را به عنوان یک ایرانی باختیم. واقعا متأسفم و بسیار شرمندم این همه عشق، محبت و اعتقاد شما عزیزانم شد.»

سکوت، آی خدا دلگیرم ازت، رگ خواب، من، خیابونا، خیلی دلم ازت بره، هوایی شدی، دوست دارم، بار و بندیل، گناهی ندارم، باور کنم، آدما، حباب، نمی‌زارم خسته شی، نرو، بمون و عذاب ترانه‌هایی بود که یگانه برای مخاطبان خارج‌نشین خود اجرا کرد و شبی فراموش‌نشده‌ای برای خود و حضار در سالن خلق کرد.

او در بخشی از این کنسرت آهنگ «یکی هست» را به یاد مرتضی پاشایی که تازه از دنیا رفته اجرا کرد و گفت: «یکی از خواننده‌های خیلی خوبمان را از دست دادیم. متأسفانه یا خوشبختانه احساساتی هستیم. در کنار این موضوع رفاقت اندکی که بین من و مرتضی بود باعث شده رفتنش بر ابرام خیلی تلخ باشد. فکر می‌کنم بهترین لحظه همین الان و همین‌جاست که از مرتضی یاد کنیم، در یکی از باشکوه‌ترین کنسرت‌هایی که در زندگی‌ام تجربه کرده‌ام. از مصمم قلبم می‌گویم که فکر می‌کنم الان جای مرتضی از همه ما بهتر است و از همه ما خوشحال‌تر است.»

در پایان این کنسرت مدیر سالن Nokia Theatre در ملاقات کوتاهی که با یگانه داشت از او اجرای اجرا در این سالن تشکر و از استقبال مردم اظهار شگفتی کرد. همچنین به نشانه تشکر از یگانه عکس و نام او روی تندیس مخصوص سالن حک و طی مراسمی که روز بعد در سالن برگزار شد در کنار تصویر بزرگانی که در این سالن به اجرای برنامه پرداخته بودند، نصب شد.

جالب است بدانید که پیش از این خوانندگان لس‌آنجلسی مطرحی نیز در این سالن به اجرای برنامه پرداخته بودند که هیچ‌کدام از آن‌ها موفق به ثبت چنین رکوردی از نظر میزان مخاطب نشده بودند و این در شرایطی است که سایت رسمی Nokia Theatre در گزارشی کنسرت یگانه نوشت: «او Nokia Theatre را به یکی از فشرده‌ترین حالت‌های ممکن در آورد.»

با این تفاسیر می‌توان گفت محسن یگانه با اجرای موفق خود در کشور آمریکا که ابتدا قرار بود در پنج شهر برگزار شود، اما به دلیل استقبال گسترده مردم به ۱۰ اجرا افزایش یافت، توانست به نمایندگی از موسیقی مجاز داخلی تیر خلاص را بر پیکی بی‌جان موسیقی لس‌آنجلسی بزند و نشان دهد موسیقی داخلی با تمام مشکلات و محدودیت‌ها توانسته گوی سبقت را از رقیب خود بر بیاید.

باید منتظر ماند و دید آیا چنین اتفاقات مثبتی می‌تواند راه را برای هنرمندان موسیقی پاپ داخلی هموارتر کند یا خیر.



گزارش برگزاری کنسرت محسن یگانه در آمریکا درخشش خواننده ایرانی در لس‌آنجلس



با استقبال چشمگیر مخاطبان موسیقی پاپ مواجه شده است.

موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که گاهی کنسرت خواننده‌های داخلی با کنسرت خواننده‌های خارج‌نشین به صورت همزمان در یک شهر و خیابان برگزار می‌شود. در چنین شرایطی است که می‌توان راحت‌تر در مورد میزان محبوبیت این دو لاین از موسیقی پاپ ایرانی قضاوت کرد.

چند ماه پیش بود که محسن یگانه که یکی از خواننده‌های محبوب موسیقی مجاز داخلی به حساب می‌آید، بعد از این که سال ۸۶ اولین کنسرت رسمی خود را به عنوان یکی از اولین کنسرت‌های مجاز ایرانی خارج کشور در هلند آغاز کرد، یک‌بار دیگر تور کنسرت‌های اروپا و آمریکایی خود را شروع کرد. او در اولین گام به شهر هامبورگ رفت تا برای ایرانیان مقیم آلمان منتخبی از آهنگ‌های خود را اجرا کند، اما از قضا همان شب یکی از خواننده‌های مشهور لس‌آنجلسی (د.ا) نیز در دست در سالنی که روبه‌روی سالن اجرای یگانه قرار داشت کنسرت خود را برگزار کرد. شاید اگر چند سال پیش چنین شرایطی پیش می‌آمد خیلی‌ها به صورت قطعی شکست کنسرت خواننده داخلی

محسن یگانه در ادامه تور مصطفی امامی اروپا-آمریکای خود هفته پیش در سالن Nokia Theatre آمریکا در شرایطی روی استیج رفت که مسئولان این سالن بزرگ هالیوود از استقبال مردم شگفت‌زده بودند. ظرفیت این سالن پیش از ۶ هزار نفر است که پیش از این فقط برای کنسرت EMINEM سالن به صورت کامل پر شده بود.

موسیقی پاپ طی ۳۰ سال گذشته با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده است. فراز و نشیب‌هایی که گاهی باعث افزایش سرعت پیشرفت این ژانر از موسیقی در کشور و معرفی چهره‌های مستعد به موسیقی شده و گاهی نیز آن قدر شرایط سخت بوده که نفس موسیقی پاپ به سختی بالا آمده است. با همه این تفاسیر اما هنرمندان موسیقی کشور در فرصت‌های مختلف تلاش کرده‌اند تا نشان دهند موسیقی مجاز داخلی بسا وجود همه مشکلات و محدودیت‌های بعضاً دست و پاگیر، چند سر و گردن از موسیقی لس‌آنجلسی بالاتر و فاخرتر است و این موسیقی داخلی است که می‌تواند به تنهایی خوراک مورد نیاز مخاطب موسیقی پاپ را فراهم کند.

طی سال‌های گذشته رقابت فشرده و البته خاموشی بین خوانندگان مجاز داخلی و خوانندگان به اصطلاح لس‌آنجلسی وجود داشته و طریقین ماجرا تمام تلاش خود را کرده‌اند که در این بازار شلوغ، گوش مخاطب ایرانی را به محصولات خود متوجه کنند و گوی سبقت را از رقیب برابری، اما در این میان قضاوت در مورد پیروز این رقابت (که البته چندان برابر هم نیست) کار سختی نیست و با نگاهی گذرا به اتفاقات اخیر موسیقی پاپ می‌توان به پاسخ این سؤال دست پیدا کرد که بالاخره موسیقی مجاز داخلی توانسته در جذب مخاطب موفق‌تر باشد یا موسیقی لس‌آنجلسی؟

با توجه به این که متر و معیار درستی از فروش آلبوم‌ها وجود ندارد و نمی‌توان با قطعیت در مورد تیراژ آلبوم‌ها صحبت کرد، بهترین راه برای سنجش محبوبیت این دو موسیقی کنسرت‌هایی است که در شهرها و کشورهای مختلف برگزار می‌شود. چند سالی است که خواننده‌های مجاز داخلی در کنار برگزاری کنسرت‌های خود در شهرهای مختلف ایران، به دیگر کشورهای دنیا نیز سفر می‌کنند و برای ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز به اجرای برنامه می‌پردازند. برنامه‌هایی که اکثر آن‌ها

پادداشت

کلمات معجزه می‌کنند



مهناز چتر، بی‌روزه

مرتضی پاشایی هنوز خبرساز است؛ نه این که اتفاق تازه‌ای برای او یا آثارش افتاده باشد، نه این بار اتفاق میان روشنفکران و جامعه‌شناسانی افتاد که قصد داشتند «پدیده پاشایی» را تحلیل کنند.

هفته پیش انجمن جامعه‌شناسی دانشگاه تهران نشست با عنوان «پدیدارشناسی فرهنگی یک مرگ» برگزار کرد. حمیدرضا جلالی پور، سعید معیذفر، یوسفعلی باذری، نعمت‌اله فاضلی، محمدسعید ذکایی، هادی خانیکی و محمدامین قانع‌راد که همگی نام‌های آشنایی برای علاقه‌مندان مباحث

روشنفکری و جامعه‌شناسی هستند؛ دورهم جمع شدند و درباره «پدیده پاشایی» نظر دادند. در میان همه تحلیل‌هایی که در این نشست شد، صحبت‌های یوسفعلی باذری، استاد جامعه‌شناسی و دانشیار دانشگاه تهران با عکس‌العمل شدید حضارن روبه‌رو شد. حالا بحث بالا گرفته و به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی هم کشیده شده است.

اباذری با لحن خاص (بخوانید دور از آداب سخنرانی) با اشاره به عکس مرتضی پاشایی می‌گوید: «این آقای که عکسش را این‌جا زده‌اند و چراغ‌ها را تاریک کرده‌اند، یک خواننده پاپ بود و پاپ در مسیر موسیقی، مبتذل‌ترین نوع موسیقی است... من داده‌ام یک موسیقیدان، فرمت موسیقی او را تحلیل کرده... مبتذل محض است! ما (موسیقی) پایبند داریم که پیچیده است. این ساده‌ترین، مسخره‌ترین، احمقانه‌ترین و بدترین نوع موسیقی است. صدای فاشل، موسیقی مسخره، شعر مسخره‌تر، بنابراین من چطور می‌توانم چنین چیزی را تحلیل کنم؟»

اباذری منتقد رفتار مردم و حضور آن‌ها در مراسم خاکسپاری پاشایی است و برایش جالب است که ملتی‌راه می‌افتند و در مجلس ترحیم او شرکت می‌کنند. او قصد داشت بگوید چرا مردم ایران به این افلاس افتاده‌اند و دلایل این افلاس چه چیزهایی بوده است؟ سیاست‌زدگی یا سیاست‌زدایی یا سوءاستفاده از مردم یا بی‌سوادی آن‌ها یا نداشتن دانش کافی درباره موسیقی یا هر چیز دیگری که می‌توانست عامل اصلی این اتفاق باشد؟ چه فرقی می‌کند وقتی یک استاد تراز اول در یک جمع دانشگاهی با ادبیات سخیف تلاش می‌کند جمعی را قانع یا آگاه کند که به بیراهه روند؟

کافی است یک جستجوی ساده در فضای وب داشته باشید تا ببینید از ترکیب دو اسم اباذری به علاوه پاشایی چند صفحه پیش روی شما قرار می‌گیرد، نظرات متفاوتی درباره صحبت‌های اباذری شده است. یکی از همین نظرات یادداشتی مربوط به یکی از شاگردان مستقیم این جامعه‌شناس است که در دلطف ماجرا گفته است: «آن‌ها که اساذری و کلاس‌هایش را درک کرده‌اند شهادت می‌دهند که آن‌چه در این سخنرانی شنیدیم هم از حیث لحن و بیسان و هم از حیث پرداخته‌گویی، بخشی از شخصیت سخنران است.»

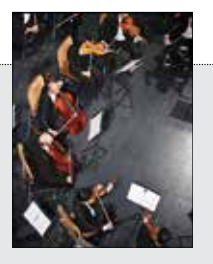
یکی از مخالفان او هم در توییت نوشته است: «به هیچ کس اجازه و فرصت این شهامت را نباید داد که به مردم توهین کند. چرا این دسته از افراد به جای این که صدای مردم را بشنوند، از آن فرار می‌کنند؟»

اباذری به حتم تلاش می‌کرده موضوع مهمی را مطرح کند و به حتم دلسوزانه و از سر خیرخواهی قصد داشته آگاهی ایجاد کند، اما سؤال این جاست وقتی نحوه بیان این قدر حاشیه‌ساز می‌شود که با گذشت چند روز فضای جامعه دو قطب میسان مخالفان و موافقان می‌شود، به نظر می‌رسد خوب بود اگر استاد کمی در استفاده از کلمات وسواس به خرج می‌داد. کلمات معجزه می‌کنند، باور کنید.



عکس‌نوشت

«سلول شخصی» رضا یزدانی در راه است
«سلول شخصی»، در قالب دو آلبوم به زودی در بازار موسیقی منتشر می‌شود. اندیشه فولادوند به عنوان ترانه‌سرای یکی از آلبوم‌ها همکاری دارند. شهر دل، هم‌کاری برنده بی‌پرده، هیس، ساعت ۲۵ شب، ساعت فراموشی، خاطرات مبهم و ساعت‌خواب، آثاری هستند که تاکنون از این خواننده در بازار موسیقی منتشر شده است.



دیدگاه

ارکستر فیلارمونیک تهران روی صحنه می‌رود
ارکستر فیلارمونیک تهران به رهبری آرش گوران روزهای دوشنبه ۱۵ دی و سه‌شنبه ۱۶ دی در تالار وحدت روی صحنه می‌روند.
در این اجرا پدram یوسفی فر به عنوان (کنسرت مایستر)، امین غفاری (کنسرت مایستر دوم)، امیر باورچی، فوزان غریب‌نژاد، پوریا اوصالو، علیرضا چهرقانی، امین عطایی، آذین نصرتی، سروناز گلکار (ویالون)، فریدون محبی (مایستر ویولون دو)، عرفان شریفزاده، فرمهر بیگلر، برهان نعمتی، الناز یگانه، مهسا زندی، تر گل کریمی مقدم، کیوان ربیعی (ویولون دو)، پانیز فریوسفی (مایستر آلتو)، دانیال جورابچی، پیمان ابوالحسنی، برنابان آقابانی، نسیم دارا (آلتو)، مسالار غفار بجویی (مایستر ویولنسل)، یاسمن کوزه‌گر، هانیه کازرونی، سهراب ملک‌زاده (ویولونسل)، فرشید پاتینیان (مایستر کنترباس)، هادی اسماعیلی (کنترباس)، یاسین کشاورز (ناقوس) حضور دارند. ارکستر فیلارمونیک تهران بنای اجرای کنسرتی را در خردادماه نیز داشت که به خاطر اتفاق ناگوار که برای پدram یوسفی فر (کنسرت مایستر این ارکستر) افتاد، کنسرت لغو شد. البته علت لغو شدن این کنسرت این بود که پدram یوسفی فر در اجرای قطعه‌ای به عنوان سولیست با ارکستر همکاری می‌کرد. بر اساس این گزارش، ارکستر فیلارمونیک تهران به رهبری آرش گوران در روزهای دوشنبه ۱۵ دی و سه‌شنبه ۱۶ دی در ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت روی صحنه می‌روند. بلیت این کنسرت از ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.



پیشنهاد

سینا حجازی هم قانونی شد

بالاخره بعد از مدت‌ها انتظار، مجوز اشعار آلبوم رسمی سینا حجازی صادر شد. به این ترتیب، او که پیش از این بیش از ۳۰ قطعه منتشر کرده، برای تیراژ سریال و برنامه‌های تلویزیونی هم خواننده و البته در آلبوم «من و ما» هم اولین قطعه مجازش منتشر شده بود، به همیشه به در بسته می‌خورد. ۴ سال بود که سینا حجازی تلاش می‌کرد مجوز بگیرد و همیشه به در بسته می‌خورد تا این که بالاخره کارش از سد شورای شعر دفتر موسیقی گذشت.
آلبوم سینا حجازی ۱۰ قطعه دارد و مثل اغلب ساخته‌هایش، همه کارهای آلبوم را خودش انجام داده است؛ یعنی هم ترانه گفته، هم ملودی ساخته و هم تنظیم کرده است. طبیعتاً خودش هم خواننده است و تقریباً هیچ پولی برای تولید این آلبوم پرداخت نکرده است. حتی این قطعات را در استودیوی خانگی‌اش ضبط کرده است. این خواننده محبوب کارلوس کی روش که همیشه آهنگ‌هایش در انوبوس‌های تیم ملی پخش می‌شود، در آلبوم رسمی‌اش هم به سبک کارهای گذشته‌اش عمل کرده است. موسیقی او نه تند و ریتمیک است و نه شش و هشت، موسیقی او به موسیقی جامائیکایی یعنی سبک رگه پهلوی می‌زند و ویژگی اصلی‌اش در نوع اجرای اوست. اغلب قطعات، ریتم آرامی دارند و چندان شلوغ و پرهیجان نیستند. برخی معتقدند که سبک او در موسیقی پاپ ما یگانه است و حضورش می‌تواند تکاپویی در این بازار تکراری ایجاد کند.